

با نگاهی به مجموعه شعر «لالایی خاطره‌ها»

# خاطره‌ی لالایی‌ها

زهره حیدری شاهی

نام کتاب: لالایی خاطره‌ها  
شاعر: علی پورتقی  
تصویر گر: مرضیه فرخی  
ناشر: مؤلف  
چاپ اول: ۱۳۸۹  
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه



فرهنگ و ادبیات عامه، «لالایی» را وسیله‌ای برای آرامش و اطمینان خاطر کودکان خردسال پس از ایجاد ارتباط ریتمیک بین مادر و فرزند بدانیم، لالایی‌های جدید که مخاطبان کودک گروه سنی بالاتر را دربرمی‌گیرند، تعریف جدیدی را می‌طلبند. در این لالایی‌ها نه تنها آرامش کودک و ارتباط کودک با والدین مد نظر نیست، بلکه شعاع این دایره بزرگ‌تر شده و ارتباط کودک با افراد بیش‌تر، گروه هم‌سالان و دنیای بزرگ‌تر و حتی جهان مطرح است. همان‌گونه که شاعر در مقدمه کتاب خود به این مسئله اشاره کرده است: «...این کتاب شاید برای کودکان، دریچه‌هایی نو برای درک دنیای پیرامون باشد، تصاویر و فضاهایی که می‌بایست با ذهن و خیال آن‌ها بیامیزد و قدرت اندیشه و احساس آنان را (در پیوستگی با هم) بالا ببرد...».

از آن‌جا که گروه سنی مخاطبان این لالایی سروده‌ها بالاتر از مخاطبان نوع «لالایی» از شعر کودک است، انتظاری غیر از این‌ها که گفته شد نمی‌رود. نیازهای کودکان، دیگر در آرامش و ارتباط با مادر خلاصه نمی‌شود. کودکان در مرحله رشد و شناخت نیازهای گسترده‌تری دارند و اشعاری که برای آن‌ها سروده می‌شود تنها مبتنی بر موسیقی نیستند. بلکه بر معنی و مضمون محتوا تکیه دارند. تفاوتی که بین این «لالایی سروده‌ها» و نوع «لالایی» از ادبیات کودک

امروزه پدیدآورندگان بسیاری در آثارشان از آوای «لالا» یا «لالا لالا»، نه به خاطر کارکرد باستانی‌اش در شعر کودک، که برای ایجاد ریتم آغازین و آغازیه‌ای برای هر شعر می‌پردازند. لالایی‌ها در تقسیم‌بندی انواع شعر کودکان، نوعی از شعر تعریف شده است که فقط به خاطر آهنگ و موسیقی‌شان برای کودکان خوانده می‌شود. لالایی‌ها ارتباط عاطفی از طریق موسیقی را بین مادر و کودک برقرار می‌کند و به او آرامش می‌بخشند. این نوع شعر معمولاً برای کودکان در سنین خردسالی سروده و برای‌شان زمزمه می‌شود.

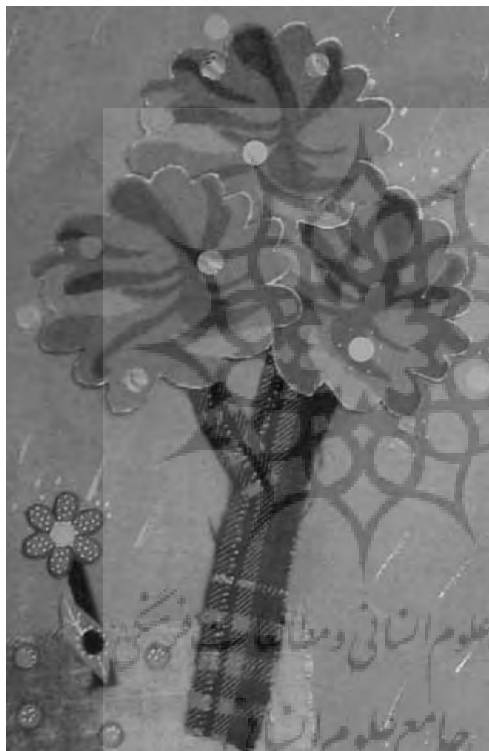
اخیراً شاهد شعرهایی با عناوین «لالایی» در بازار کتاب کودک و نوجوان هستیم که در آن‌ها شاعران با بهره گرفتن از موسیقی غنی در ترکیب‌های «لالا» یا «لالا لالا» شعرشان را آغاز می‌کنند. مطلع شعر «لالا» یا «لالا لالا» است اما حال و هوای این لالایی‌ها با حال و هوای نوع «لالایی» متفاوت است. زندگی روزانه کودکان، ارتباطشان با دیگران و پیرامون و عوامل طبیعت مضامین شعرها یا لالایی سروده‌های امروز را تشکیل می‌دهند. این شعرها کاربرد کاملاً متفاوتی با کاربرد نوع «لالایی» دارد، اما کتاب یا شعر «لالایی» نام می‌گیرد. کتاب‌ها یا شعرهایی با عناوین «لالایی بهار»، «لالایی

تابستان» و... نمونه‌هایی از این دست‌اند.

اگر هنوز طبق تعاریف موجود و معتبر و بر اساس



مطرح است نیاز به مطالعه و شناسایی بیش‌تر دارد چرا که ممکن است این دگرگونی، گرایش (منفی یا مثبت) جدیدی در ادبیات کودک را منجر شود. به خصوص این‌که از این‌سو و آن‌سو شنیده می‌شود، بسیاری از پدیدآورندگان آثار، به سفارش و صلاح‌دید ناشرانی که به وضعیت بازار توجه دارند، شعرهایی به عنوان لالایی می‌سرایند و این لالایی‌ها سروده‌ها نیز انواع و اقسام «لالایی کودک برای کودک» یا «لالایی کودک برای عروسک» یا لالایی‌های فصلی و ماهانه پیدا کرده‌اند.



«لالایی خاطره‌ها» عنوان ترکیبی جدیدی است که این سال‌ها از مجموعه‌ی ترکیب‌های واژه‌ی «لالایی» با واژه‌ای دیگر بسیار شنیده می‌شود. این مجموعه شامل ۷ اثر است - که اگر اشتباه تائیدی صورت نگرفته باشد، به بنا گفته‌ی شاعر که در کتاب قید شده است- مجموعه شعرهای او را از سال‌های ۷۸ تا ۸۹- (از ۱۶ سالگی شاعر تاکنون)- شامل می‌شود که در مجموعه‌ای با عنوان «آغاز مادر»، «لالایی شب»، «لالایی بهار»، «لالایی بارون»، «لالایی تابستون»، «لالایی پاییز»، «لالایی زمستون» و با تصویرگری زیبا و خیال‌انگیز و کیفیت خوب کتاب با همت ناشر مؤلف منتشر شده است. «لالایی خاطره‌ها» عنوان کتاب است. تصویر پشت جلد نیز که کودکی آرمیده با چشمان بسته و لبخندی رضایت‌بخش را نشان می‌دهد، سعی دارد بر لالایی بودن مجموعه شعر دلالت کند. «آغاز مادر»، آغاز دفتر است. در این بیست و دو بیت، (تلفیقی از مثنوی و چارپاره‌هایی که به صورت بیت بیت آورده شده است) مادر برای کودک از خاطره‌ها لالایی می‌گوید و خاطره‌ی تولد کودک و رشد و شکوفایی‌اش را توأم با نوازش و ابراز مهر برای او بازگو می‌کند. قصه‌ای که هر کودکی مشتاق است آن را هزاران بار از زبان بزرگ‌ترها بشنود. تصویر شب و مادری که نوزاد را در آغوش دارد، و تصویر فرشته‌ها در آسمان و کودکی که راه می‌رود صفحات این شعر را همراهی می‌کنند. این شعر صرف‌نظر از توصیف‌های طولانی و پیچیده‌اش، با این‌که تنها

شعر این مجموعه است که در آن از ترکیبات «لالا لالا» یا «لالایی» استفاده نشده است، نسبت به بقیه‌ی شعرهای این مجموعه، شباهت بیش‌تری به «لالایی»‌ها دارد. مهر و محبت و نوازش و احساس امنیت از طریق بار معنایی واژگان به کودک منتقل می‌شود و کارکرد عاطفی واژگان از بسامد بالایی برخوردار است. کودک از شنیدن داستان تولد و رشد- راه رفتن و به حرف آمدنش- از زبان مادر لذت می‌برد و به خیال و خواب‌های شیرین فرو می‌رود:

...

عزیز نازنینم / می‌خوام پیش‌ت بشینم  
دستامو بالشت کنم / پُر از نوازش کنم  
شونه کنم موهاتو / نگا کنم چشاتو

...  
 پُر بشم از هر صدا/ رنگای شاد و زیبا  
 بیارم و بکارم / حرفای نو بیارم  
 بگم آهای آدما! / چقد قشنگه دنیا!  
 چشمتونو وا کنین / اونو تماشا کنین

...  
 و پُر از حرکت است و کودک را نه به خوابیدن که به  
 برخاستن و کاری انجام دادن دعوت می‌کند.  
 در ادامه‌ی شعر بالا می‌خوانیم:  
 لالا گل نازنین! / سفره‌ی هفسین بچین  
 ترمه‌ی آبی بیار / یه تُنگ ماهی بذار  
 سبزه و سیب و سرکه

...  
 در «لالایی بارون» پس از توصیف طولانی، از بارش  
 باران و وضعیت آسمان پس از باران و موقعیت رنگین‌کمان،  
 پرسشی مطرح می‌شود و آگاهی و هشیاری کودک را برای  
 پاسخ‌گویی برمی‌انگیزاند.

لالا لالا که بارون / بیاره از آسمون

...  
 لالالالا آسمون / دیگه تموم شد ابراش  
 بارون می‌ره ولی وای! / رنگین‌کمون میاد جاش  
 از این‌ور آسمون / تا اون‌ور آسمون  
 وقتی نگا می‌کنی / می‌بینی رنگین‌کمون  
 آخ که چه رنگین‌کمون / خشگلله و قشنگه  
 می‌دونی اون بزرگ و / گرده و هفتا رنگه؟؟  
 رنگای اون سبز و زرد، / بنفشه و آبی  
 اگر که گفتی سه تا / رنگای دیگش چیشه؟  
 (البته گویا در کتاب اشتباه تایپی رخ داده و «رنگای  
 دیگش چیه؟» درست است)

...  
 لالایی‌ها سروده‌های این مجموعه از یک جنبه دیگر  
 نیز با نوع «لالایی» شعر کودک تفاوت دارند. راوی این  
 لالایی‌ها یا شعرها مادر نیست. این شعرها از زبان کودک  
 است و حرف‌ها و احساسات اوست درباره‌ی پیرامونش. البته  
 این مسئله، ویژگی بسیاری از لالایی سروده‌های امروزی  
 است.

لا لا گل زمستون / شکفته از آسمون

...  
 بیرون داره برف میاد / دلم بیرونو می‌خواد  
 ...  
 مامان می‌گه عزیزم! / قشنگ ریزه میزم  
 لباس گرم تنت کن / شال دور گردنت کن

...  
 می‌بینیم که به صرف آوردن ترکیب‌های «لالا» یا «لالا  
 لالا» یک یا دو بار در هر شعر، شعرها لالایی نام گرفته‌اند در



توپ بازی هوایی لی له بایه دمپایی

یفورده گرگم هوا «کی گرگ میشه بپه ها؟»

بریم میاط آب بازی «یواش! منو نندازی!»

صورتتو بو کنم / بوس کوچولو کنم

...  
 شب ستاره و باد / خدا تو رو به من داد  
 ازون همه فرشته / تو رو برام فرستاد  
 نفس نفس شکفتی / صدات تو قلبم افتاد  
 گریه و خنده و خواب / سکوت و داد و فریاد  
 یواش یواش خزیدی / پا شدی و پریدی  
 هر قدمی که رفتی / یه چیز تازه دیدی  
 وا شدی مثل سنبل / شدی یه دستهی گل  
 لبات پُر از خنده شد / حرف زدی مثل بلبل

...  
 (آغاز مادر - ص ۲)

در شعرهای دیگر این مجموعه که با عناوین ترکیبی  
 «لالایی +...» آمده‌اند، شعرها با آوای «لالا» یا «لالا لالا»  
 آغاز می‌شود، اما مفاهیم و اطلاعاتی از پس آن می‌آید که  
 بازتاب آن‌ها در کودک آرامش و آماده کردن او برای خواب  
 خوش نیست. بلکه کودک را به بیداری و توجه به اطراف و  
 دقت بیشتر در پیرامون تحریک می‌کند:

لالا لا لا جوونه / بهار اومد تو خونه  
 هوا لطیف و نازه / پنجره نیمه‌بازه  
 نم‌نم نرم بارون / می‌باره از آسمون  
 بیدار شدن درختا / از رخت‌خواب سرما

...  
 دلم مته پرنده / می‌پره و می‌خنده  
 وا می‌شه مثله سنبل / می‌خونه مثل بلبل

...  
 دلم می‌خواد را برم / گاهی تو ابرا برم



ترانه‌ی کلاغ  
سفره‌ی ساده‌ی ما  
رو شافه‌ی درختا  
شب بلند یلدا  
نمیره از دل ما  
نمیره از دل ما

حالی که از نظر وزن و مضمون و محتوا به لالایی و کاربرد آن شباهتی ندارند. البته شاید بر این مسئله اشکال چندانی وارد نباشد، اگر شعر از انسجام ساختاری و زیبایی خاص خود برخوردار باشد و طعم لذیذ ادبیات را هر چند ناچیز به کودک بچشانند. هم‌چنان که در این مجموعه نیز شاهد فضاهای زیبایی از شعر کودک بودیم. اما صرف‌نظر از تقسیم‌بندی‌های انواع شعر کودک، نظریه‌پردازان ادبیات کودک، مختصات کلی و اساسی را برای شعر کودک قائل هستند که این مختصات معیارهای شعر کودک را تشکیل می‌دهند.

با توجه به ویژگی‌های تعریف شده برای شعر کودک، مسائلی در این مجموعه به چشم می‌آید و به نظر می‌رسد پدیدآورنده در بعضی موارد به عناصر زیبایی‌شناختی شعر کودک توجه چندانی نداشته، مخاطب را جدی نگرفته و یا شناخت کافی از مخاطب نداشته است. با ذکر نمونه‌هایی آن‌ها برمی‌شمریم.

قوی‌ترین عامل جاذبه در شعر کودک موسیقی است. این موسیقی از بافت کلمات و ترتیب مصرع‌ها به وجود می‌آید و هم‌چنین قافیه در شعر کودکان که یکی از عوامل ایجاد موسیقی در شعر کودکان است. استفاده از قافیه‌های ضعیف کیفیت موسیقی در شعر کودک را نیز به مراتب ضعیف می‌کند.

هم‌قافیه بودن کلمات عزیزم / ریزه میزم  
مامان می‌گه عزیزم! / قشنگ ریزه میزم  
یا:  
درختا / سرما  
بیدار شدن درختا  
از رخت خواب سرما  
و:  
آدما / دنیا  
بگم آهای آدما!  
چقد قشنگه دنیا!

استفاده از زبان محاوره گاهی به منظور صمیمی کردن زبان صورت می‌گیرد، اما در بسیاری موارد اشکالات اساسی به وجود می‌آید. از آن‌جا که مخاطبین این اثر، کودکان گروه سنی الف و ب می‌باشند که در مرحله‌ی زبان‌آموزی هستند، این مسئله می‌تواند اشکالات بسیاری را در روند پیشرفت زبان‌آموزی آنان ایجاد کند. استفاده از زبان محاوره در شکل نوشتاری کلمات نیز تغییراتی به وجود آورده و خواندن را مشکل می‌کند. می‌دانیم یکی از مشخصات شعر خوب کودک و نوجوان روان و آسان خوانده شدن آن است.

بیرون داره برف میاد / دلم بیرونو می‌خواد  
می‌رم کنار شیشه / بیرون نرم نمی‌شه  
مامان می‌گه عزیزم / قشنگ ریزه میزم

در «لالایی پاییز»:

ترانه‌ی کلاغ / رو شاخه‌ی درختا  
سفره‌ی ساده‌ی ما / شب بلند یلدا  
نمی‌ره از دل ما / نمی‌ره از دل ما  
...

ازون همه فرشته / تو رو برام فرستاد  
...  
لالالا که بارون / زشتی‌ارو می‌بره  
...

پرنده‌ها دوباره / مثل یه مُش ستاره  
...  
دلَم مته پرنده / می‌پره و می‌خنده

گاهی شاعر گویا سطح دریافت و درک مخاطب را از یاد برده و مفاهیم انتزاعی و پیچیده را چاشنی شعر خود کرده است.

در «لالایی پاییز» می‌خوانیم:

نم‌نم بارون زرد / سرود شاخه‌ها شد  
کوچه‌ی سرد و ساکت / جای فرشته‌ها شد  
لالا ستاره لرزید / تو هاله‌ی نفس‌هام  
شکوفه‌ی ابر اومد / به آسمون چشمام  
...

پاییز سرد زیبا / بارش زرد برگا  
رقص سفید سرما / تو هاله‌ی نفس‌ها

کنار هم چیدن تعداد زیادی کلمه بدون در نظر گرفتن زیبایی ترکیبات و دقت نکردن به کنار هم‌چینی درست واژگان و توجه نداشتن به هم‌بستگی معنایی و مفهومی آن‌ها



در «لالایی بهار»:  
 ...  
 ثانیه‌ها می‌پرن / گذشته رو می‌پرن  
 تیک‌تیک تند ساعت / تاپ‌تاپ دل به سرعت...  
 صدای توپ درمیاد / با شادی و با فریاد  
 تو سرنوشت این سال / کی غمگینه کی خوشحال؟  
 ...  
 (ثانیه‌ها می‌پرن و گذشته را می‌پرن)؟؟؟  
 در «لالایی زمستان» می‌خوانیم:  
 درختا باز پیر شدن / تنها و دلگیر شدن  
 از رخت‌خواب سرما / می‌رن به خواب برگا  
 پرنده‌ها دوباره / مثل یه مُش ستاره  
 می‌رن به جاهای گرم / به آشیونای نرم  
 (درخت‌ها از رخت‌خواب سرما به خواب برگ‌ها  
 می‌روند)؟  
 (پرنده‌ها مثل یک مشت ستاره!) به جاهای گرم و  
 آشیان‌های نرم می‌روند)!  
 هم‌چنین استفاده از عنصر تشبیه نیز که ساده‌ترین و  
 اصولی‌ترین عنصر زیبایی‌شناسی در شعر کودک است با  
 بی‌قاعدگی صورت پذیرفته و هر چیزی به هر چیزی مانند  
 شده است و هر واژه‌ای برای بیان هر مفهومی به کار گرفته  
 شده است...  
 در «لالایی بهار» با این بیت‌ها مواجه می‌شویم:  
 ...  
 دلم مته پرند / می‌پره و می‌خنده  
 وا می‌شه مثل سنبل / می‌خونه مثل بلبل  
 می‌گه مته زمینم / دوس ندارم بشینم

در شعر کودک و نوجوان کمکی به انتقال دیدگاه، پیام یا حس  
 شاعر به مخاطب نمی‌کند و برعکس پریشانی و سردرگمی را  
 به او القا می‌کند. کلی‌گویی و توجه نکردن به ساختار درست  
 ترکیبات و استفاده‌ی نادرست و نابجا از کلمات و مفاهیم،  
 تصویر شاعرانه و زیبا نمی‌آفریند و فقط در حد تعدادی کلمه  
 که بدون هدف کنار هم چیده شده‌اند، باقی می‌ماند.  
 دقت در به کار بردن کلمات زیبا، پُر بار و خوش‌آوا در  
 زیباتر کردن شعر بسیار مهم است. چرا که کلمات بار مفاهیم  
 را به دوش می‌کشند. مفاهیمی که از ترکیبات زیر دریافت  
 می‌شوند چیستند و تا چه حد رسا و قابل درک و دریافت‌اند؟  
 در شعر «لالایی بارون»:  
 ...  
 لالا که بارون ریز / دس بکشه به هر چیز  
 آشتی بده به دنیا / به آدما، حیوونا  
 کبوتر شاد بشن / از قفس آزاد بشن  
 (باران بیارد- به هر چیز دست بکشد- و دنیا، آدم‌ها و  
 حیوان‌ها آشتی کنند و کبوترها از قفس آزاد شوند)؟؟؟  
 ...  
 لالا لالا که بارون / زشتی‌ارو می‌پره  
 از تو دل بچه‌ها / هر چی غمه می‌پره  
 ...  
 (باران زشتی‌ها را می‌برد)!!- زشتی‌ها چیستند؟ چگونه  
 باران زشتی‌ها را می‌برد؟  
 بارون نرم و پاکی / که نعمت خدا هست  
 زندگی دوباره / برای آدما هست  
 ...  
 (باران زندگی دوباره برای آدم‌هاست)؟

دلَم می‌خواد را برم / گاهی تو ابرا برم  
شکلاهی جور واجورشم / قطره‌شم و بلورشم  
پُر بشم از هر صدا / رنگای شاد و زیبا  
بیارم و بکارم / حرفای نو بیارم  
(دل من مثل پرند می‌پرد و می‌خندد و مثل سنبل باز  
می‌شود و مثل بلبل می‌خواند. دلَم می‌گوید من مثل زمین  
هستم و دوست ندارم بنشینم و...) (!؟)  
نامفهوم‌گویی یکی دیگر از ضعف‌های این مجموعه شعر  
است.

در «لالایی پاییز» می‌خوانیم:

...

لالا لالا که پاییز / برادر بهاره  
تو کوله‌بار سردش / سید سید اناره  
تو جعبه‌ی جادویی / مداد رنگی داره  
می‌چرخه و می‌خونه / می‌... کشه و می‌ذاره:  
تو قلب من یه خونه / که رفته تا ستاره  
یه خونه‌ی پُر از برگ / برگای پاره پاره  
تو هر کدوم یه قصه / که آخری نداره  
دوباره و دوباره / قصه بگو دوباره...

...

ارتباط مفهومی بین بخش‌های مختلف این شعر گسسته  
است. معلوم نیست شعر چه می‌خواهد بگوید و از کدام حس  
و تصویر زیبا حرف می‌زند:

برادری پاییز و بهار، کوله‌بار سرد پاییز که درونش سید  
سید انار است، جعبه جادویی پاییز، خانه‌ی پُر از برگ‌های پاره  
پاره (!؟) در قلب راوی که تا ستاره رفته است و در هر برگ پاره  
قصه‌ای است که آخری ندارد و...  
در «لالایی بهار» می‌خوانیم:

...

لالا گل نازنین / سفره‌ی هفسین بچین  
ترمه‌ی آبی بیار / یه تُنگ ماهی بذار  
سبزه و سیب و سرکه / سیرای تیکه تیکه  
یه کاسه پُر سمنو / یه مُش سُمّاق خوش‌بو  
پس سین هفتم ما / بگین کجاس بچه‌ها؟!...  
اگر که شاد و خوشحال / موقع تحویل سال،  
کنار هم بشینیم / ستاره رو می‌بینیم  
چشمای ما ستاره / منتظر بهاره  
با چشمک و اشاره / شادی و نور میاره

■

در شعر بالا به نظر می‌رسد، برای این که «سین ستاره»  
به عنوان سین هفتم سفره هفت سین، برای مخاطب جا بیفتد  
گویی شاعر مجبور شده ارتباطی بین «ستاره» و «بهار» دست  
و پا کند و «ستاره» آن هم ستاره‌ای از نوع چشم‌های بچه‌ها  
که در انتظار بهار سوسو می‌زند (!!!) را هم تراز با «سین» های  
دیگر سفره هفت سین بیآورد. همچنین با این هدف، «سین»

«ستاره» هم به رنگی دیگر (آبی) چاپ شده تا کودک اگر  
مفهوم آن «ستاره» را درک نکرد به شکل و ظاهر کلمه  
«ستاره» توجه کند و موضوع را دریابد. حتی علامت سه  
ستاره در بین این قسمت و ادامه‌ی شعر تایپ شده است، اما  
این تلاش‌ها بی‌نتیجه می‌ماند. چرا که این تلاش‌ها، شعر  
را از حیطة‌ی خود خارج کرده است و در نهایت این جزء  
غیر همگون و انتزاعی سفره‌ی هفت سین برای کودک قابل  
درک نیست.

کوتاه و گزیده بودن یکی از مختصات هر کلام خوب  
به‌خصوص شعر کودک و نوجوان است. در شعرهای این  
کتاب با شعرهای سی‌وچهار بیتی، سی‌ویک بیتی، بیست‌وپنج  
بیتی، بیست‌ودو بیتی و... مواجه بوده‌ایم. البته تکرار مفاهیم و  
درازگویی یکی از دلایل طولانی شدن شعرهاست:

«لالایی بارون»، از باران به رنگین‌کمان و سپس به شب  
و ستاره‌ها کشیده می‌شود و در نهایت به لزوم شکرگزاری از  
خدایند- با انجام کارهای خوب- ختم می‌شود و این مفاهیم  
یکی پس از دیگری، سی‌ویک بیت را تشکیل می‌دهند.

گاهی شاعر دچار شعارگویی شده و تفکرات  
بزرگ‌سالانه‌ی خویش را در قالب شعر به رخ کودک کشیده  
است. چیزی که فاصله‌ی زیادی با روح و روان کودک دارد  
و ذهن کودک آن را نمی‌پذیرد و درک نمی‌کند. شاعر در  
واقع می‌خواهد این مفهوم دشوار و کاملاً بزرگ‌سالانه را در  
دو جمله برای کودک جا بیندازد که (مادیات مهم نیستند  
و چیزهای معنوی ارزش بیش‌تری دارند) و این‌گونه دچار  
تطویل و شعارگویی شده است:

...

لالا لالا بچه‌ها / بهترین عیدی ما

نه چرخه نه عروسک / نه توپه نه بادبادک  
نه کفشه نه لباسه / نه پول و اسکناسه  
عیدی ما یه بوسه / یه خنده‌ی ملوسه  
یه خونه‌ی تمیزه / گنده یا ریزه میزه  
بابای مهربوته / مامان همزبونه  
یه آسمون زیباس / دستای پاک دعاس  
...

(منظور از چرخ، دوچرخه است)

بخشی از شعر «لالایی بهار».

از تلاش تصویرگر در ایجاد تصاویر زیبا با استفاده از  
تکنیک کلاژ نمی‌توان چشم پوشید. چرا که تصاویر به زیبایی  
روح شعرها را نشان می‌دهند و خود لبریز از احساسند. رنگ‌ها  
شاد و تصاویر زیبا و جذابند و از صفحه‌بندی و نحوه‌ی چینش  
تصاویر در ارتباط با متن پیداست که این کار با دقت نظر و  
توجه خاصی صورت گرفته است.

امید است دنیای شعر کودک در آینده شاهد آثار بهتر این  
شاعر جوان و تصویرگر خوش‌ذوق باشد.